

بسم الله الرحمن الرحيم

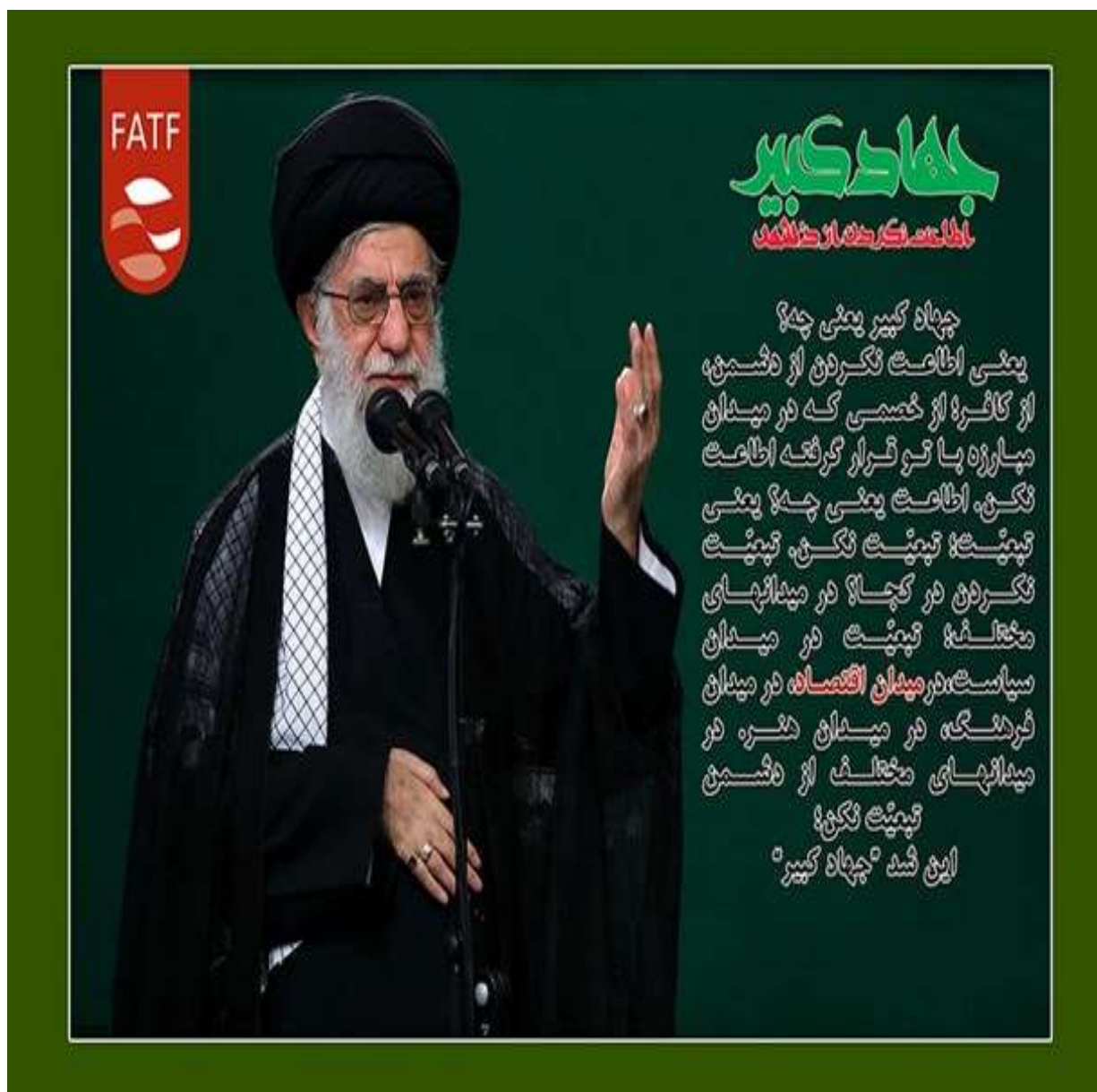
عرصه‌های گوناگون جهاد بر مبنای سیره امام حسین (ع)



جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است

رسانه‌های معاند، با بزرگ کردن چهره زشت و فاسد رژیم طاغوت و پوشاندن خیانت‌های آنها، حتی به دنبال تزئین و آرایش تصویر سراپا جنایت ساواک هستند و در مقابل، با مخدوش کردن چهره انقلاب و امام بزرگوار حقایق و نقاط مثبت انقلاب را کاملاً کتمان می‌کنند، بنابراین در مقابل این تهاجم رسانه‌ای، جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است





حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را باید بزرگ‌ترین پاسدار اسلام دانست؛ پاسداری که تمام هستی و دارایی خویش را در راه جهاد فی سبیل‌الله فدا کرد و حیات ابدی دین پیغمبر خاتم (ص) را محقق کرد تا پرچم توحید در هر مکان و زمان که برافراشته می‌شود، با ذکر نام و یاد او همراه باشد و مرثیه شهادت او، کتاب بی‌انتهای حریت، حقیقت‌طلبی و ظلم‌ستیزی برای هر انسانه آزاده‌ای گردد.

حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را باید بزرگ‌ترین پاسدار اسلام دانست؛ پاسداری که تمام هستی و دارایی خویش را در راه جهاد فی سبیل‌الله فدا کرد و حیات ابدی دین پیغمبر خاتم (ص) را محقق کرد تا پرچم توحید در هر مکان و زمان که برافراشته می‌شود، با ذکر نام و یاد او همراه باشد و مرثیه شهادت او، کتاب بی‌انتهای حریت، حقیقت‌طلبی و ظلم‌ستیزی برای هر انسانه آزاده‌ای گردد. از این‌رو باید بارزترین ویژگی حیات سیاسی - الهی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را در سیر حیات «انسان ۲۵۰ ساله» طبق زیارت‌نامه‌های معتبر آن حضرت، ادای فریضه جهاد فی سبیل‌الله به معانی واقعی و حقیقی آن دانست که با آن حضرت تبلور عینی پیدا کرد و با ائمه اطهار (ع) در سیر سال‌های مبارزه ادامه یافت: «أشهد انک جاهدت فی الله حق جهاده» (زیارت امام حسین (ع)). از همین منظر است که در زیارت جامعه کبیره خطاب به حضرات ائمه معصومین آمده است: «جاهدتم فی الله حق جهاده».

این جهاد عرصه‌های گوناگونی دارد که مؤمنان و عاشقان واقعی آن حضرت باید با الگوپذیری از سیره عملی مولا و سالار خویش، جهادگر حقیقی و مرد میدان مبارزه علیه دشمنان ظاهری و باطنی شوند و با جهاد به مقامات والای الهی و تربیتی نائل شوند.

جهاد همگانی با ظالمان زمانه

از درس‌های عبرت‌آموز زندگی حضرت امام حسین (ع)، پاسداری از دین اسلام و جهاد با ستم و ستمگران به‌ویژه حاکمان ظالم زمانه است. عاشورا به ما می‌آموزد که انسان مسلمان نمی‌تواند در برابر ستم و ستمگران سکوت کند و بی‌تفاوت بماند؛ اگر سکوت کرد، در حکم همان ستمکار است. حضرت اباعبدالله الحسین (ع) جهاد را با عمل به این دستور قرآنی عملی ساخت که می‌فرماید: «یا ایها النبی جاهدِ الْکُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِینَ وَ اغْلُظْ عَلَیْهِمْ» (توبه: ۷۳/تحریم: ۹)؛ یعنی با کفار و با منافقین مبارزه کن! می‌فرماید «جاهد»؛ نمی‌فرماید «قاتل»؛ «قاتِلِ الْکُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِینَ» قتال همیشه لازم نیست، اما جهاد همیشه لازم است. (بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۹۵/۰۹/۲۷) بنابراین آن حضرت به مرتبه کامل ایمان نائل شد چراکه به فرموده مقام معظم رهبری: «ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد.» (۱۳۸۹/۰۸/۰۲) و در یک معنای وسیع و به این دلیل که جهاد در مقابله و مبارزه با جبهه ظالمان و ستمگران و طاغوت صورت می‌گیرد باید گفت که «هر تلاشی که در مقابله با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی اسمش جهاد است.» (۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

از این منظر یعنی وسعت دامنه مفهومی و عملی جهاد است که وجود مقدس حضرت امام حسین (ع) در سخنانی که در منزل «بیضه» در برابر سپاهیان حر

ایراد کردند فرمودند: «ای مردم! رسول خدا (ص) فرمود: اگر کسی حاکم ستمگری را ببیند که حلال خدا را حرام می‌کند، عهد و پیمان الهی را می‌شکند و با سنت رسول خدا مخالف است و با بندگان خدا به ستم و بیدادگری رفتار می‌کند، پس با گفتار و کردار در برابرش نایستد بر خداست که این فرد را نیز با همان حاکم ستمکار محشور کند». پس از این بیان و دعوت همگانی به جهاد در مقابل ظالمان، آن حضرت ضمن تبیین چرایی جهاد و پرده برداشتن از واقعیت حکومت طاغوت، دلیل تبعیت از منادی واقعی یعنی رهبری امام معصوم در این عرصه را یادآور شده و هدف قیام خویش را بیان می‌فرمایند: «مردم آگاه باشید که بنی‌امیه و اتباع آن‌ها پیرو شیطانند و از پیروی و بندگی خدای بخشنده سرپیچی کرده‌اند، فساد و تباهی را آشکار ساخته‌اند و حدود الهی را تعطیل کرده‌اند و اموال مردم را به‌خود اختصاص داده‌اند. حرام خدا را حلال و حلالش را حرام کرده‌اند. من از هر کس شایسته‌ترم که وضع موجود را تغییر دهم... پس لازم است از روش من پیروی کنید، زیرا عمل من برای شما حجت و سرمشق است...». (تاریخ الامم و الملوك، طبری، ج ۴، ص ۳۰۴)

جهاد برای تحقق حیات عزتمندانه

قرآن کریم مؤمنان را به تبعیت از فرامین الهی و عدم سرسپردگی طاغوت امر کرده است تا به حیات عزتمندانه دنیا و آخرت نائل شوند: «یا ای‌ها الذین امنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء؛ ای مؤمنان، دشمن من و دشمن خود را به

ولایت برنگیرید». (ممتحنه، آیه ۱) از این رو مسلمانی که ذلت را پذیرفته باشد
مسلمان واقعی نیست.

امام حسین (ع) به معنای واقعی این آیه عمل کرده و حقیقت زندگی عزتمندانه
را در حیات و شهادت خویش متجلی ساخت. او مرگ باعزت را زندگی و
زندگی باذلت را عین مرگ می‌دانست و از همین رو یکی از رجزهای پرمعنای
امام حسین (ع) در روز عاشورا با این معنای عمیق متجلی می‌شود: «الموت خیر
من رکوب العار و العار خیر من دخول النار؛ مرگ از پذیرش ننگ بهتر و ننگ
از ورود در آتش سزاوارتر است». (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲، ج ۴۵، ص
۵۰) همچنین آن حضرت در روز عاشورا می‌فرمود: «این ناکس پسر ناکس مرا
به پذیرش یکی از دو کار ناچار کرده است؛ یا شمشیر کشیدن و کشته شدن و
یا پذیرش ذلت. ذلت از خاندان ما به دور است. هیئات که ذلت و زبونی را
اختیار کنم. نه خدا به ذلت من راضی است، نه رسول خدا و نه مؤمنان و نه
دامن‌های پاکی که مرا تربیت کرده‌اند. همچنین مردان غیرتمند و آزاده، کشته
شدن را بر پیروی از انسان‌های پست ترجیح می‌دهند». (تحف العقول، ص ۲۴۹)
آن بزرگوار در جای دیگری نیز می‌فرماید: «والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل
و لا افر فرار العبید؛ به خدا سوگند همانند افراد فرومایه تسلیم شما نمی‌شوم و
مانند بردگان نیز فرار نمی‌کنم».

ثمرات این عرصه از جهاد را می‌توان به بهترین بیان در کلام پدر بزرگوارشان حضرت امیرمؤمنان علی (ع) در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه درک کرد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در بیان آثار جهاد می‌فرماید: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّتِهِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَجُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغِبَهُ عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ وَشَمَلَهُ الْبَلَاءُ وَدُيْتُ بِالصَّغَارِ وَالْقَمَاءِ وَضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيمَ الْخَسْفُ وَ مُنِعَ النِّصْفُ؛ هَادٍ (کارزار با مخالفان دین) دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی خواص دوستان خود گشوده، و لباس تقوا و پرهیزکاری است (اهل تقوا را از شرّ مخالفان حفظ می‌کند مانند لباس سرما و گرما را) و زره محکم حق تعالی و سپر قوی اوست (برای نگاه‌داری اهل تقوا از اسلحه دشمنان) پس هر که از آن دوری کرده آن را ترک کند خداوند جامه ذلت و خواری و ردای بلا و گرفتاری به او می‌پوشاند و بر اثر این حقارت و پستی زبون و بیچاره می‌شود، و، چون خداوند رحمت خود را از دل او برداشته به بی‌خردی مبتلا گردد (در کار خویش حیران و سرگردان ماند) و به سبب نرفتن جهاد و اهمیت ندادن به این امر مهم از راه حق دور شده در راه باطل قدم می‌گذارد و به نکبت و بیچارگی گرفتار شده، از عدل و انصاف محروم می‌شود (ستمکار بر او تسلط پیدا نموده با او به بی‌انصافی رفتار خواهد کرد).» (نهج‌البلاغه؛ نامه‌ها؛ بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۱۴۲)

طبق این بیان حضرت امیر (ع) کسی که جهاد را ترک کند، به شش اثر منفی ترک جهاد و نداشتن روحیه جهاد و مبارزه مبتلا خواهد شد: ۱- ذلت و خواری ۲- ابتلا به انواع مشکلات و گرفتاری‌ها ۳- حقارت روحی ۴- از دست دادن بصیرت و بینش ۵- دولت حقی که به آن‌ها سپرده شده گرفته می‌شود ۶- محرومیت از انصاف دیگران.

طبق بیان شهید مطهری «این همه نکبت‌ها و بدبختی‌ها پیامد و نتیجه از دست دادن روحیه مقاومت و جهاد و مبارزه است. حدیث پرمعنی دیگری از رسول اکرم (ص) نقل شده است که: «مَنْ لَمْ يَغْزُ وَلَمْ يَحْدِثْ نَفْسَهُ بِغَزْوٍ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنَ النِّفَاقِ» (کنز العمال، ج ۴، ص ۲۹۳)، آن‌که جهاد نکرده و لااقل اندیشه جهاد را در دل خود نیروورده باشد، با نوعی از نفاق خواهد مُرد. یعنی اسلام، از جهاد و لااقل آرزوی جهاد جدانشدنی نیست؛ صداقت اسلام انسان با این معیار شناخته می‌شود.» (مجموعه آثار شهید مطهری/ج ۲۴/ص ۴۵۳-۴۵۵) با توجه به این معنا و ثمره حقیقی جهاد باید گفت که جهاد با الگو از امام حسین (ع) در مقابل رفتار، گفتار و عمل طاغوتیان در هر عصر و زمانی، زندگی عزتمندانه را برای همه انسان‌ها به همراه خواهد داشت؛ موضوعی بااهمیت که می‌توان و باید سرلوحه رفتار و گفتار آحاد افراد جامعه و در هر پست و مقامی قرار گیرد. مخصوصاً در این برهه از زمانه که دشمن با شیوه‌های مختلف و با تحمیل اراده خود سعی در تخریب اذهان و تضعیف اراده‌ها دارد. اراده این نوع جهاد را باید

در عملکرد بی نظیر شهدای مدافع حرم مشاهده کرد و برای نسل های آینده مثال زد که عزتمندانه پا به عرصه جهاد گذاشتند و اگرچه خود مظلومانه به شهادت رسیدند، اما عزت واقعی را برای ما به جای گذاشتند.

عمل به جهاد اکبر و توجه به تربیت معنوی و الهی

از دیگر وجوه جهاد که باید از سیره عملی و سبک زندگی سرور و سالار شهیدان آموخت، توجه به حیات معنوی و تربیت الهی و در حقیقت «جهاد اکبر» و مبارزه با هوای نفس و تبعیت از اوامر الهی و خودسازی است که به تعبیر روایات معصومین (ع) از جهاد اصغر یعنی مبارزه در میدان جهاد، بسیار بااهمیت تر است: «مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ.» (الکافی، ج ۵، ص ۱۲) سرّ این که مبارزه با هوای نفس، جهاد اکبر است، چون به فرمایش پیامبر اسلام (ص)، دشمنی که در این مبارزه، در مقابل ماست، اعدای عدوّ (دشمن ترین دشمن) و عدوّ اکبر ماست: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۵۹) حضرت اباعبدالله الحسین (ع) علاوه بر این که در عرصه جهاد عظیم و مبارزه با ظالمان زمان، به نحو اتم و اکمل ورود کرد، در این عرصه نیز قهرمان واقعی جهاد اکبر و چراغ هدایت و کشتی نجات امت از ظلمتکده دنیا و امیال دنیوی و مادی شد. امام حسین (ع) آن هنگام که رویاروی دشمن ایستاده و حتی آن هنگامی که در محاصره دشمنان است، هرگز از خدای

خویش و عبادت او غفلت ندارد. از این رو، در تاریخ آمده است که در شب عاشورا در میان خیمه امام حسین (ع) جنب و جوش عجیب و نشاط فوق العاده‌ای به چشم می‌خورد؛ یکی مشغول دعا و مناجات با خداست و آن دیگری مشغول تلاوت قرآن: «لَهُمْ دَوَىُّ كَدَوَى النُّحْلِ - مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ وَ قَائِمٍ وَ قَاعِدٍ».

(صفه الصفوه، ج ۱ ص ۳۹۷) و هنگام حمله دشمن در عصر تاسوعا امام حسین (ع) به قمر بنی هاشم می‌فرماید: «به سوی آنان برو و اگر توانستی امشب را مهلت بگیر تا به نماز و استغفار و مناجات با پروردگارمان پردازیم. خدا می‌داند که من به نماز و تلاوت قرآن و استغفار و مناجات با خدا علاقه شدید دارم».

(منتهی الآمال، ج ۱ ص ۴۰۵) از این درخواست در آن موقعیت به خوبی می‌توان به اهمیت معنویت و خودسازی پی برد. این شیوه عملی امام حسین (ع) در آن شرایط دشوار بیانگر آن است که در حقیقت جهاد حقیقی، عبادت الهی و تربیت عبد مؤمن خداوند و رسیدن به حیات طیبه قرآنی است که با زندگی معنوی و دوری از گناه محقق می‌شود. به همین جهت است که حضرت زینب کبری (ع) نیز در برابر دشمنانی که پس از واقعه کربلا واکنش ایشان را به طعنه جویا می‌شدند این‌طور پاسخ دادند که جز زیبایی ندیدم.

آن حضرت خود در کلامی حقیقت خلقت را که اشاره به این‌گونه از جهاد دارد به زیبایی بیان می‌کنند: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ، فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ؛ أَي مَرْدَم؛

خداوند بلندمرتبه تنها به این دلیل بندگان را آفرید که او را بشناسند. هنگامی که خدا را شناختند، او را پرستش می‌کنند و زمانی که خدا را پرستش کردند، با عبادت خداوند، از عبادت دیگران [هرآنچه غیر خدا باشد] بی‌نیاز می‌شوند.»
(لمعه من بلاغه الحسین (ع)، ص ۲۷)

(دفتر مطالعات و تأمین محتوا)